

## دزدی با چراغ خاموش

«دزدی بد است»، یکی از اصول اخلاقی است که عموم انسان ها آن را پذیرفته اند؛ چه انسان هایی که آن را در دوران طفولیت در محیط خانواده، مدرسه و... فرا گرفته اند و چه انسان هایی که متدین اند و به اقتضای آموزه های دینی آن را ناموجه انگاشته اند. قلیلی از آدمیان نیز کوشیده اند با صورت بندی نظری و تامل فلسفی درباره چیستی اخلاق و روایی و ناروایی اخلاقی از موجه بودن این گزاره اخلاقی سخن بگویند. به عنوان مثال وظیفه گرایانی چون کانت تبعیت از امر مطلق و تنسیق های چندگانه امر مطلق را قوام بخش فعل اخلاقی موجه می انگارند. تنسیق اول امر مطلق - اصل خودآیینی - اقتضا می کند که با دیگران چنان رفتار کنیم که خوش داریم با ما رفتار کنند و... چنین است که «دزدی کردن» فعل ناروایی انگاشته می شود، چراکه خوش نداریم کسی دیگر اموال ما را بدزدد. به تعبیر دیگر «دزدی بد است»، یکی از آموزه های اخلاقی مسلم در تنظیم مناسبات و روابط اخلاقی به حساب می آید. از سوی دیگر فایده گرایانی چون بنتام و میل با تمسک جستن به اصل فایده توضیح می دهند که بیشینه شدن فایده و کمینه شدن درد و رنج بیشترین افراد جامعه، قوام بخش داوری اخلاقی موجه است. با مدنظر قرار دادن این اصل می توان بر ناروایی فعل صحه گذاشت چراکه متضمن بیشینه شدن الم و درد و رنج شخصی می شود که اموالش به تراج رفته است.

۲

معمولاً آنچه ابتدائاً از «دزدی کردن» و ناروایی آن به ذهن متبادر می شود، معطوف به دارایی و مالکیت ملموس و انضمامی دیگران (نظیر طلا و جواهرات، خودرو، تلفن همراه و...) است؛ آنچه متعلق به دیگری است و بدون اذن او نمی توان در آن دخل و تصرف کرد. اما مدلول این سخن این نیست که مالکیت در این امور خلاصه می شود. مالکیت معنوی (مقاله، کتاب، آلبوم موسیقی و...) نیز در زمره متعلقات دیگری است و تصاحب کردن آن بدون اذن او اساساً ناموجه است. کسی که زحمت زیادی کشیده و اثری را ابداع کرده، اعم از شعر، مقاله، کتاب، تابلوی نقاشی و... مالک قطعی آن اثر به حساب می آید. حال اگر کسی بدون اجازه در مالکیت او دخل و تصرف کند و آن را از آن خود بداند، یا متوجه قبح اخلاقی عمل خویش نیست یا انسان غیر اخلاقی است که پروای زیستن اخلاقی را ندارد و زندگی منحط و نازلی را سپری می کند. اگر شق نخست باشد، می توان با آگاهی بخشی و فرهنگ سازی او را بدین دقیقه متفطن ساخت تا

پس از آن مرتکب چنین فعلی نشود. اگر شق دوم باشد برای جلوگیری از اشاعه چنین عمل غیراخلاقی، به نظر می‌رسد رواست که جامعه علمی-فرهنگی با برملا ساختن شخص خاص و عمل ناروایی که صورت گرفته، نقش بازدارنده خویش را ایفا کند. اگر به قوت و بدون رودربایستی عمل شخص خطاکار در منظر و مرئای همگان قرار گیرد، کمتر کسی به هوس می‌افتد که چنین کند و دسترنج دیگران را به ناحق تصاحب کند.

۳

آنچه آمد، تاملی درباره سویه اخلاقی دزدی اموال معنوی سایرین بود؛ کاری که در ابتدا قبح آن ممکن است چندان به نظر نرسد، ولی با درنگی بیشتر می‌توان ناروایی اخلاقی آن را به عیان دید و بر آن صحنه گذاشت. در عین حال می‌توان از منظر حقوقی نیز به آن پرداخت و با وضع قوانین و جریمه‌ها، پشتوانه و ضمانت اجرایی برای جلوگیری از عمل دزدی در نظر گرفت.